

آمارتیاسن

نوسعه یعنی آزادی

ترجمہ محمد سعید نوری ناٹینی



اسراہی

فهرست مطالب

۱۳	دیباچه
۱۵	مقدمه مترجم
۲۱	توسعه
۲۵	آزادی
۳۱	فرصت‌های اقتصادی
۴۰	کاستی‌های بازار آزاد
۴۸	ترتیب‌ات و تسهیلات اجتماعی
۵۲	تضمین شفافیت
۶۵	اخلاق کسب و کار
۷۰	فساد
۷۴	امنیت حمایتی
۷۵	میدان و مرد میدان
۷۶	نقش انسان و وظیفه اجتماع
۸۰	نقش و اهمیت مردم‌سالاری
۸۵	نقش مثبت و سازنده مردم‌سالاری
۹۰	کارکرد مردم‌سالاری
۹۷	نقش سنت و فرهنگ

۱۰۶	جهانی شدن
۱۰۸	چکیده کتاب
۱۰۹	پیشگفتار
۱۱۳	مقدمه
۱۱۴	تأثیرات و همبستگی‌های متقابل
۱۱۵	توضیحاتی چند: آزادی‌های سیاسی و کیفیت زیست
۱۱۶	دادوستد، بازار و ناآزادی‌های اقتصادی
۱۱۹	سازمان‌ها و ارزش‌ها
۱۲۰	نهادها و آزادی‌های ابزاری
۱۲۱	خلاصه و نتیجه

فصل اول. چشم‌انداز آزادی

۱۲۵	اشکال ناآزادی
۱۲۸	فرایندها و فرصت‌ها
۱۲۹	دو نقش آزادی
۱۳۰	نظام‌های ارزشیابی: درآمد و توانمندی
۱۳۱	فقر و نابرابری
۱۳۳	درآمد و مرگ‌ومیر
۱۳۵	آزادی، توانمندی و کیفیت زندگی
۱۳۷	بازارها و آزادی‌ها
۱۴۲	ارزش‌ها و فرایند ارزش‌گذاری
۱۴۳	سنت، فرهنگ و مردم‌سالاری
۱۴۵	خلاصه و نتیجه

فصل دوم. اهداف و ابزار توسعه

۱۴۸	نقش اساسی و ابزاری آزادی
۱۴۹	آزادی‌های ابزاری
۱۵۲	روابط متقابل و مکمل
۱۵۴	تفاوت‌های چین و هند

۱۵۶	ترتیب‌ات اجتماعی مبتنی بر تفکر رشد
۱۵۹	خدمات مردمی، درآمد کم و هزینه‌های نسبی
۱۶۲	کاهش مرگ‌ومیر در انگلستان قرن بیستم
۱۶۵	مردم‌سالاری و انگیزه‌های سیاسی
۱۶۶	خلاصه و نتیجه

فصل سوم. آزادی و بنیان‌های عدالت

۱۶۹	اطلاعات موجود، اطلاعات مفقود
۱۷۲	مطلوبیت به عنوان یک پایگاه اطلاعاتی
۱۷۴	برتری‌های روش مطلوبیت‌گرایی
۱۷۶	محدودیت‌های دیدگاه مطلوبیت‌گرایی
۱۷۸	جان راولز و تقدم آزادی
۱۸۰	رابرت نوزیک و نظریه اختیارگرایی
۱۸۲	مطلوبیت، درآمد حقیقی و مقایسه بین افراد
۱۸۵	رفاه: گونه‌گونی‌ها و ناهمسانی‌ها
۱۸۷	درآمد، منابع و آزادی
۱۹۰	رفاه، آزادی و توانمندی
۱۹۲	ضرایب، ارزشگذاری و انتخاب اجتماعی
۱۹۸	اطلاعاتی در مورد توانمندی: گزینه‌های مورد استفاده
۲۰۲	خلاصه و نتیجه

فصل چهارم. فقر؛ جلوه سلب توانمندی

۲۰۸	فقر درآمد و فقر توانمندی
۲۱۱	نابرابری در چه؟
۲۱۳	بیکاری و محرومیت از توانمندی
۲۱۵	سلامت و مرگ و میر
۲۱۵	برداشت‌های اجتماعی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها
۲۱۸	فقر و محرومیت در هندوستان و صحرای آفریقا
۲۲۳	نابرابری جنسی و زنان از دست رفته
۲۲۷	خلاصه و نتیجه

دیباچه

در جهانی که ما در آن به سر می‌بریم ارتقای کیفیت زندگی و رفاه انسان‌ها و نیل به رشد و توسعه اقتصادی از جمله و نمونه‌های عمده کشورهای است. در این راستا، هر یک از کشورها و به ویژه کشورهای جهان سوم به تدوین راهبرد و خط‌مشی ویژه‌ای همت گماشته‌اند. در این میان، موفقیت بیشتر از آن کشورهایی بوده است که در تدوین این راهبردها و تصمیم‌سازی‌های مهم در باب این موضوع متکی به مشارکت مردم بوده‌اند و زمینه را برای نقش‌آفرینی اعضای جامعه به‌عنوان افرادی مسئول و آگاه فراهم ساخته‌اند.

مسئله‌ای که در این میان بیش از هر چیز دیگر اذهان را به خود مشغول داشته است رابطه میان آزادی و توسعه و تأثیر و تأثرات متقابلی است که این دو پدیده بر یکدیگر برجا می‌گذارند، از یک سو، توسعه اقتصادی بهره‌مندی بیشتر افراد جامعه از امکانات و تسهیلات رفاهی، آموزشی، بهداشتی و غیره را به ارمغان می‌آورد و موجب گسترش آگاهی در میان مردم می‌گردد و از سوی دیگر، آزادی از رهگذر ایجاد امکان مشارکت در فرآیند توسعه باعث بسط و گسترش عدالت اجتماعی و برخورداری برابر افراد از امکانات و فرصت‌ها می‌گردد، رهبران و مسئولان را در برابر مردم پاسخگو می‌گرداند و مانع گسترش فساد اقتصادی در اجتماع می‌گردد. این تأثیرات و همبستگی‌های متقابل ضرورت ژرفاندیشی درباره رابطه میان

توسعه و آزادی را دوچندان می‌سازد. کتاب توسعه و آزادی توسط یکی از اقتصاددانان برجسته جهان امروز، آمارتیا سن برنده جایزه نوبل در رشته اقتصاد در سال ۱۹۹۸، به رشته تحریر درآمده است. نویسنده در این کتاب در باب این موضوع رهیافتی نوین را مطرح می‌سازد و به توسعه به مفهوم گسترش آزادی‌های اساسی می‌نگرد و هدف نهایی توسعه را نیل به آزادی برمی‌شمرد و آزادی را به عنوان سنج‌ای برای کیفیت زندگی انسانها تلقی می‌کند. از دیدگاه نویسنده نبود آزادی فقر، استبداد، فرصت‌های اقتصادی محدود و انواع محرومیت‌ها را در پی دارد. نویسنده از منظری وسیع به مفهوم آزادی می‌نگرد، در این دیدگاه، برخورداری از آزادی‌های اساسی از جمله آزادی مشارکت سیاسی، آزادی داد و ستد و فرصت دسترسی به آموزش و خدمات درمانی خود از اجزای متشکله توسعه محسوب می‌شوند. در نتیجه کتاب قصد آن را دارد که از دیدگاهی جامع‌نگر فرایند توسعه را مورد بررسی قرار دهد و نقش عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در آن مورد کنکاش قرار دهد.

کیست مولا، آنکه آزادت کند
بند رقیبت زبایت برکند

مقدمه مترجم

ما ایرانیان از ورای سده‌ها و هزاره‌ها، هنوز شکوه و جلال ایران باستان را فراموش نکرده‌ایم. نه تنها این که خویش را فراخور کسب مجدد آن سرآمدی‌ها و افتخارها می‌دانیم بلکه در تلاش پنهان و آشکار برای نیل به آن به فراخور حال کوشیده‌ایم و می‌کوشیم. در زمانی که امیدها به زوال می‌گرایید و اعتماد به توانمندی‌های گذشته رو به کاهش داشت، شهسوار اندیشه و سخن، فردوسی با نثار زندگی و هستی خویش شراره امید به بازآمدن راست‌قامتی دیرین را چنان قدرتی جاودانه بخشید که از پس سده‌ها همچنان می‌درخشد و روشنی می‌بخشد و آرام ولی استوار آرمان بزرگ همه ایرانیانی را که طی این هزارسال با گوش تن و جان به آن دل داده‌اند پی می‌گیرد. اندیشمندان و سخنوران پس از وی نیز این رسالت را به شایستگی پاس داشته‌اند. آنگاه که تنگ‌نظری‌های امیر مبارز دل‌های مردم را از امید بهروزی و شاد زیستن تهی کرده بود، لسان‌الغیب خواجه شیراز مژده می‌داد که مسیحانفسی می‌آید که از انفاس خوشش بوی کسی می‌آید تا این شعله فرو نمیرد و استمرار یابد. در زمانه ما نیز بهار و عشقی و شهریار و اخوان و ابتهاج و دیگران در شیراز و تهران و تبریز و یوش و همه جا این وظیفه را نیکو پاس داشتند و به دست ما سپردند تا استمرارش را به واقعیت ایده پیوند زنیم.

در عرصه عمل هم این پایمردی حضوری چشمگیر داشته است. اگر به دلیل

اختصار از دلاوری‌های بی‌شمار فرماندهان و سرداران و سربازان نامی و گمنام تاریخ که بگذریم به تاریخ معاصر می‌رسیم که تلاشی دیگرگونه و تدابیری جدید را طلب می‌کرد. دوران سلحشوری و جنگاوری جای خویش را به تفکر و سیاست داد. در این زمینه نیز در خاورمیانه و تا حدی چشمگیر در سطح جهانی پیشگام بوده‌ایم. انقلاب مشروطیت، نهضت ملی کردن صنعت نفت و انقلاب اسلامی، از جمله رویدادهای عظیمی هستند که ماورای ابعاد فراگیر ملی در تاریخ جهان جایگاهی رفیع و بر تاریخ دنیا تأثیری چشمگیر و گسترده داشته‌اند.

به‌طور خلاصه، ایرانیان همواره دغدغه استقلال فرادستی، پیشرفت، ترقی و بهبود را نه تنها در خاطره جمعی خویش زنده و پویا نگه داشته‌اند که برای نیل به آن بسته به شرایط زمان و مکان هوشمندانه عمل کرده‌اند.

در این میان، همواره سؤالی اساسی و کلیدی مطرح بوده است: چرا دستاوردهایمان در مقایسه با تلاش‌هایمان چشمگیر و راضی‌کننده نبوده است و چرا پس از هر پیروزی بزرگ امیدها به یأس گراییده و آرزوها برآورده نشده است و چرا دیگرانی هستند که با روش‌هایی دیگرگونه و به‌دور از غوغا و قیام دستاوردهای عملی قابل ستایشی کسب کرده‌اند؟ طی سال‌های اخیر روشنفکران، دانشمندان، پژوهشگران و نویسندگان زیادی تلاش کرده‌اند پاسخ‌هایی جامع یا موردی برای این سؤال‌های اساسی فراهم آورند. موضوع از ابعاد سیاسی، مذهبی، جامعه‌شناختی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و نظامی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد کنکاش قرار گرفته و نتایج ارزشمندی حاصل شده است که بدون تردید بر تصمیم‌سازی‌ها و رویدادهای آینده تأثیراتی چشمگیر خواهد داشت.

در این میان بحث «استقلال و آزادی» شیفتگان بیشتری داشته است. هم‌همگان در آرزویش زندگی کرده و نفس کشیده‌اند و هم‌نخبگان در تحقیق و کاوش و تحققش، گاه به بهایی گزاف، کوشیده و خطر کرده‌اند. پیروزی انقلاب اسلامی، گامی بود بلند و قاطع در زمینه استقلال که همچنان‌که انتظار می‌رفت از طرف قدرت‌های سلطه‌طلب جهانی به‌طور غیرمستقیم و از طرف دیکتاتور دیوانه عراق به‌طور مستقیم و با حمایت گسترده همان سلطه‌طلبان مورد یورش و دستبرد قرار گرفت. همت بلند، جانفشانی‌های بی‌دریغ و نثار هستی شهیدان و آزادگان، این رشته طمع را

برید و همه ایرانیان را وامدار همیشگی این عزیزان کرد و کوچک‌ترین سپاسگزاری ما آن است که در مقابل ارواح پاک و بلندشان سر تعظیم و سپاس فرود آوریم و از اینکه نتوانسته‌ایم آن‌گونه که درخور مقام والایشان است عمل کنیم پوزش بخواهیم. پس از اطمینان از نیل به استقلال، به‌طور طبیعی آزادی محور خواست‌ها و عنایت آمال شد. به‌وضوح آزادی همراه با همتای توأمش یعنی مردم‌سالاری مهم‌ترین دغدغه و محل بحث‌ها و اقدامات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی دهه اخیر در ایران بوده است. گرچه قضاوت درباره چگونگی و حاصل این تلاش‌ها نه در فرصت این نوشتار است و نه در تخصص نویسنده و نه هدف این مکتوب، ولی با تساهلی معقول شاید بتوان گفت که جهت و راستای کلی حرکت به‌سوی نوعی همگرایی بوده است و علی‌رغم اختلافات نه‌چندان اندک و گاه بسیار دگماتیک، اکنون واژگان آزادی و مردم‌سالاری از رایج‌ترین مفاهیم گفتمان طیف‌های سیاسی و اجتماعی گوناگون ملی ما است. در هیچ کجای این جهان پهناور در طول سده‌های طولانی و حتی در دوران نوزایی (رنسانس) آزادی آسان به دست نیامده است و تولدش مانند هر تولدی دیگر، با رنج و ناراحتی و تحمل بسیار همراه بوده است. ما نیز دیرآمدگانی هستیم که باید برای این واقعیت در انتظارات خویش جایی درخور تعبیه کنیم، زیرا اگر چنین نکنیم ممکن است و شاید بسیار محتمل، که گرفتار یأس و دلزدگی شویم و با صرف همه توان خویش در مواردی ناکارآمد، نیروی لازم برای ادامه مسیر را از کف بدهیم، که چنین مباد. گرچه در صفحات آینده باز هم درباره آزادی بحث خواهد شد ولی به‌طورکلی این مکتوب به آزادی به‌عنوان یک مقوله مستقل نمی‌نگرد، زیرا هدف نهایی روشن‌کردن ارتباط‌های فراوان و تنگاتنگ بین آزادی و توسعه است به امید بهره‌گیری از آن در تعبیر تفکر و برداشت‌های موجود در کشور در هر دو زمینه آزادی و توسعه. در رسیدن به این هدف شاید مروری بسیار خلاصه بر مقوله توسعه نیز مفید باشد.

به‌طورکلی توسعه و به‌طور خاص توسعه اقتصادی رشته‌ای است تقریباً نوپا که هنوز هم در بسیاری از ابعاد آن عدم توافق یا حداقل اختلاف سلیقه بسیار فراوان است. یکی از مباحث مهم و بحث‌انگیز، تفاوت توسعه اقتصادی و رشد اقتصادی است که مقوله‌ای است مربوط به فراگیری و معیارهای سنجش آن. از این مهم‌ترین

آزادی هزار افسون در آستین دارد که آنان که بندگی را گردن نهاده‌اند، هرگز نخواهند دانست. توسعه، میعاد دستیابی به امکانات نهفته در آزادی است. ویلیام کاپور

آمارتیا سن، برندهٔ جایزهٔ نوبل در رشتهٔ اقتصاد در سال ۱۹۹۸، در این کتاب رهیافتی نوین را مطرح می‌سازد و به توسعه به مفهوم گسترش آزادی‌های اساسی می‌نگرد. او هدف نهایی توسعه را نیل به آزادی می‌شمارد و آزادی را به‌عنوان نتیجه‌ای برای کیفیت زندگی انسان‌ها تلقی می‌کند. نویسنده بر آن است که از دیدگاهی جامع‌نگر فرایند توسعه را بررسی و نقش عوامل اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را در آن کندوکاو کند.

نشر فی منتشر کرده است

اقتصاد و فرهنگ، دیوید تراسبی، کاظم فرهادی
اقتصاد توسعه، گیلیس / پرکینز / رومر / اسنودگراس، غلامرضا آزاد
اقتصاد توسعه (از فقر تا ثروت ملل)، یوجیرو هایامی، غلامرضا آزاد
راهبردهای توسعه اقتصادی، کیت گریفین، حسین راغفر / محمدحسین هاشمی
جهانی‌سازی و مسائل آن، جوزف استیگلیتز، حسن گلریز
پیشگامان اقتصاد توسعه، جرالد میر / جوزف استیگلیتز، غلامرضا آزاد

ISBN 978-964-312-746-6



9 789643 127466



نشر فی